

راهنمایی‌های حقوقی بنیاد عبدالرحمن برومند:

پرسش و پاسخ‌های حقوقی در مورد دادرسی عادلانه

بنیاد عبدالرحمن برومند در طول سالها فعالیت موارد بیشماری از نقض دادرسی عادلانه در مراجع قضائی، انتظامی و امنیتی در ایران را ثبت کرده است. بخشی از نقض عدالت در رسیدگی به پرونده متهمان به دلیل شفاف نبودن قوانین و ساختار غیر عادلانه نظام قضایی جمهوری اسلامی ایران است. با این حال قوانین داخلی ایران از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری همچنان مواد روشنی دارند که در صورت رعایت شدن، ما را به اجرای دادرسی عادلانه نزدیکتر می‌کنند. آگاه شدن شهروندان به حقوق‌شان به آن‌ها کمک خواهد کرد تا در شرایطی که با سیستم قضایی سر و کار پیدا کردند بهتر بتوانند حقوق خود را مطالبه کنند.

بنیاد عبدالرحمن برومند در کنار مستندسازی موارد نقض حق حیات در یادبود الکترونیکی امید، ثبت شهادت بازماندگان و خانواده جان‌باختگان و همچنین گردآوری و انتشار اسناد و مدارک مرتبط با حقوق بشر در کتابخانه وبسایت بنیاد، به ارایه مشاوره‌های حقوقی به افرادی که با موارد نقض دادرسی عادلانه مواجه هستند نیز می‌پردازد. در این مجموعه، بخشی از راهنمایی‌های حقوقی را که به صورت تکرار شونده با آن‌ها برخورد می‌کنیم با تکیه بر «حق متهم در دسترسی به دادرسی عادلانه» در اختیار شما می‌گذاریم. این مجموعه پیش از این به صورت هفتگی منتشر شدند و به صورت فایل‌های مجزا نیز قابل دسترس و استفاده هستند.

مثال‌هایی که در هر پرسش و پاسخ حقوقی مطرح شده، مثال‌هایی واقعی‌اند که شهروندان در شرایط مختلف با آن روبرو شده‌اند. اگر پرسشی دارید که پاسخ آن را در این مجموعه پیدا نمی‌کنید از طریق ایمیل در info@boroumandcenter.org یا شبکه‌های اجتماعی بنیاد عبدالرحمن برومند ([فیسبوک](#)، [توییتر](#))، یا [اینستاگرام](#) سوال خود را با مشاور حقوقی ما در میان بگذارید.

سرفصل ۱- حقوق متهم در زمان دستگیری و بازداشت

روایت: چند روز پیش ماموران نیروی انتظامی به خانه ما ریختند و برادرم را بازداشت کردند. آن‌ها همه جای خانه را گشتند و وسایل خانه را به هم ریختند و از ما سراغ «مواد مخدر» را می‌گرفتند. ماموران بعد از بازرسی خانه برادرم را با خودشان بردند. وقتی از آن‌ها پرسیدیم آیا برای گشتن خانه و بردن برادرم حکم دارید؟ گفتند حکم لازم نیست، گزارش شده است. بعدا فهمیدیم یکی از آشنایان ما را در حال پخش مواد مخدر گرفته‌اند و او به دروغ گفته مواد مخدر را از برادرم گرفته است. الان برادرم بازداشت است.

سوال: آیا امکان دارد فقط بر اساس اعتراف یک شخص و بدون حکم بتوانند کسی را دستگیر کنند و خانه را بگردند؟ چطور باید این موضوع را پیگیری کنیم؟

پاسخ کارشناس حقوقی: در قوانین ایران صراحتا ذکر شده است که دستگیری یک فرد در صورتی امکان پذیر است که دلایلی برای ارتکاب جرم وجود داشته باشد. ماموران نیروی انتظامی به صرف اقرار یک شخص نمی‌توانند فرد دیگری را دستگیر کنند و باید دستور قضایی بگیرند. مطابق ماده ۴۳ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید است یا اطلاعات ضابطان دادگستری از منابع موثق نیست، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورند و نتیجه آن را به دادستان گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات را صادر و یا تصمیم قضایی مناسب را اتخاذ می‌کند.» همچنین دستگیری یک شخص در جرایم غیر مشهود و تفتیش منزل حتما باید با حکم قضائی باشد. به این مورد نیز در ماده ۵۵ اشاره شده است: «ورود به منازل و اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها، همچنین بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیر مشهود با اجازه مودی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به‌طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد» و در ماده ۵۸ همان قانون ضابطان دادگستری مکلف به ارائه حکم به متصرف محل شناخته شده‌اند.

شما یا سرپرست خانواده می‌توانید به دادرسی نظامی رفته و علیه مامورین شکایت کنید. البته بهتر است قبل از آن از طریق مطالعه پرونده برادران در بازپرسی مطمئن شوید که حکم قضایی برای جلب و تفتیش وجود نداشته است. اگر حکمی وجود نداشته باشد مامورین مرتکب تخلف و جرم حبس غیرقانونی شده‌اند.

سرفصل ۲ - حق دسترسی به وکیل

روایت: یک هفته پیش پسر من به همراه دو نفر از دوستانش در حال سفر به ترکیه بودند که در گمرک ایران از چمدان این سه نفر چند کیلو هروئین کشف شد و همه آن‌ها بازداشت شدند. پلیس مواد مخدر به ما گفته است که پسرمان باید برای ادامه تحقیقات نزد آن‌ها بماند. ما خواستیم وکیل بگیریم، اما پلیس مواد مخدر به ما گفت در این مرحله امکان معرفی وکیل وجود ندارد.

سوال: آیا پلیس می‌تواند وکیلی را که ما خواهیم گرفت قبول نکند؟ چطور می‌شود از وکیل تسخیری استفاده کرد، چون ما توانایی مالی چندانی نداریم؟

پاسخ کارشناس حقوقی: داشتن وکیل حق متهم است و هیچ مقامی نمی‌تواند مانع حضور وکیل شود. مطابق ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود، این حق در برگه احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود.» با توجه به این ماده، نیروی انتظامی نمی‌تواند مانع حضور وکیل در پرونده شود و اگر چنین ممانعتی ایجاد کرد حتماً به بازپرس پرونده اطلاع دهید. در اصل وکیل از طریق بازپرسی پرونده را دنبال می‌کند و ثبت وکالت و دستور حضور وکیل توسط بازپرس انجام می‌شود. چه شما تمکن مالی داشته باشید، چه نداشته باشید، پسران می‌تواند تقاضای استفاده از وکیل تسخیری را بدهد، چون در تبصره ۲ همین ماده آمده است: «در جرایمی که مجازات آن سلب حیات یا حبس ابد است، چنانچه متهم اقدام به معرفی وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی ننماید، بازپرس برای وی وکیل تسخیری انتخاب می‌کند» به همین دلیل اگر تمایل به استفاده از وکیل تسخیری دارید به پسران بگویید یک لایحه خطاب به بازپرس بنویسد و درخواست استفاده از وکیل تسخیری را مطرح کند.

سرفصل ۳- تفهیم اتهام

روایت: دو هفته است که ماموران نیروی انتظامی پسر مرا در محل کارش دستگیر کرده‌اند و الان در بازداشت است. برای او در دادسرا پرونده تشکیل شده، اما ما هنوز نمی‌دانیم اتهام او چیست. پسر من هم می‌گوید هنوز به او نگفته‌اند که چه اتهامی دارد. از بازپرس پرسیدیم اتهامش چیست؟ گفت به شما ارتباطی ندارد، وقتی کیفرخواست آماده شد می‌فهمید.

سوال: مگر نباید به کسی که دستگیر شده، تفهیم اتهام شود؟ ما چه کار می‌توانیم انجام دهیم تا از اتهام پسرمان مطلع شویم؟

پاسخ کارشناس حقوقی: مطابق ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس مکلف است به عنوان اولین کار و قبل از شروع تحقیقات به صورت صریح و واضح اقدام به تفهیم اتهام کند. منظور از تفهیم اتهام این است که باید بگوید در قالب کدام عنوان مجرمانه مقرر در قانون، شخص متهم شده است. بهتر است پسران با ارسال نامه‌ای، تقاضای «تفهیم اتهام» کند و این موضوع را پسران و خود شما به صورت مکتوب با دادستان و رئیس دادگستری مطرح کنید. عدم تفهیم اتهام می‌تواند یک تخلف محسوب شود و پسر شما حق دارد این موضوع را به دادسرای انتظامی قضات گزارش کند. در برخی مواقع مشاهده می‌شود که دستور بازداشت بدون وجود مدارک و دلایل صورت می‌گیرد و به این دلیل مسئولان قضایی در ابتدا نمی‌توانند اتهام خاصی را متوجه شخص بازداشت شده کنند و سعی می‌کنند بعد از اعتراف متهم چنین اقدامی را انجام دهند. از آنجا که مطابق ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری متهم «حق سکوت کردن» دارد، به پسران بگویید در صورت جلسه‌های ضابطین قضایی و بازپرسی، قبل از پاسخ دادن به هر سوالی کتبا درخواست کند که اتهامش به او تفهیم شود و قبل از تفهیم اتهام از حق سکوت خود استفاده کند.

سرفصل ۴- حق اطلاع خانواده از محل نگهداری متهم

روایت: چند وقت پیش یکی از نزدیکانم در یک نزاع خیابانی دستگیر شد. ظاهراً در این نزاع فردی به شدت زخمی شده و بعد فوت کرده است. ما فقط از شاهدان ماجرا شنیدیم که ایشان هم دستگیر شده است. اما هر کجا مراجعه می‌کنیم به ما جواب نمی‌دهند.

سوال: می‌خواستم مرا راهنمایی کنید که چه کاری باید انجام بدهیم و چگونه مطلع شویم ایشان کجا است؟

پاسخ کارشناس حقوقی: مطابق ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی کیفری بستگان درجه یک فرد شامل والدین، همسر، فرزند، برادر و خواهر شخص دستگیر شده می‌توانند با مراجعه به پلیس از وضعیت شخص مطلع شوند و وظیفه پلیس است که از وضعیت دستگیر شده به آن‌ها اطلاع دهد. همچنین بر اساس ماده ۵۰ این قانون: «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن خود آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.» اگر نیروی انتظامی همکاری نمی‌کند به دادرسی محلی که نزاع اتفاق افتاده رفته و از مسئولان دادگاه مساله را جویا شوید. حتماً در دادگاه برای شخص دستگیر شده پرونده تشکیل شده است و در پرونده، محل دستگیری خویشاوند شما مشخص است. همچنین می‌توانید به شعبه بازپرسی که پرونده به آنجا ارجاع شده رفته و از بازپرس اطلاعات لازم را بگیرید. توجه کنید اگر از بستگان درجه یک نباشید به شما اطلاعاتی نخواهند داد.

سرفصل ۵- حق تماس با خانواده

روایت: یکی از دوستانم را در جریان تظاهرات اخیر در منزلش بازداشت کرده‌اند. خانواده‌اش نمی‌دانند کدام نهاد او را دستگیر کرده و تا کنون هیچ تماسی با خانواده‌اش نداشته و آن‌ها از محل نگهداری‌اش بی اطلاع هستند. آن‌ها می‌خواهند حداقل با او تلفنی صحبت کنند تا مطمئن شوند در سلامت است.

سوال: می‌خواستم بدانم چه راهی وجود دارد برای ملاقات یا تماس تلفنی با فرد بازداشت شده؟ آیا مسئولان دستگیرکننده موظف نیستند امکان تماس را فراهم کنند؟

پاسخ کارشناس حقوقی: مطابق ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری: «شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آنکه بنا بر ضرورت تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.» بهتر است یکی از اعضای خانواده به دادرسی رفته و در مورد اینکه پرونده در کدام شعبه بازپرسی در حال رسیدگی است اطلاع کسب کنند. سپس کتبا از بازپرس پرونده بخواهند که در مورد حق تماس تلفنی متهم با خانواده دستورات لازم را به ضابطین قضایی بدهند و اگر منعی برای آن وجود دارد دلایل آن را توضیح دهند. به طور کلی رعایت نکردن ماده فوق بیشتر از ناحیه ضابطین دادگستری اتفاق می‌افتد. پیگیری از طریق بازپرس یا دادستان می‌تواند موثر واقع شود. اگر مراجعه به این مقامات موثر واقع نشد، خانواده می‌توانند کتبا از رییس دادگستری یا یکی از معاونان او درخواست مداخله کنند. مکتوب بودن این درخواست‌ها در پاسخگو کردن مقامات اهمیت دارد.

سرفصل ۶- حقوق متهم در دوران بازداشت موقت

روایت: هفته گذشته در جریان اعتراضات به گرانی بنزین، خواهرم در خانه در شهرستان محل اقامتش دستگیر شد. خواهرم سواد زیادی ندارد و نمی‌داند چه کار باید بکند. به اداره‌های مختلف هم مراجعه کردیم، به ما جواب درستی نمی‌دهند.

سوال: می‌خواستیم بدانم باید به کجا مراجعه کنیم و چه کار باید بکنیم تا خواهرم آزاد شود؟

پاسخ کارشناس حقوقی: ابتدا در مورد اینکه قرار بازداشت موقت صادر شده است یا قرار وثیقه اطمینان حاصل کنید. ممکن است بازپرس قرار وثیقه صادر کرده باشد اما به خواهرتان درست تفهیم نکرده باشد. اگر قرار وثیقه باشد می‌توانید وثیقه را تامین کنید تا ایشان آزاد شود. اگر قرار بازداشت موقت صادر شده است به خواهرتان بگویید از زندان نامه‌ای به بازپرس پرونده نوشته و خواهان فک قرار بازداشت موقت شود. بر طبق ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری: «هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس با موافقت دادستان فوری از متهم رفع بازداشت می‌کند. در صورت مخالفت دادستان با تصمیم بازپرس، حل اختلاف با دادگاه صالح است. اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس به‌طور فوری و حداکثر ظرف پنج روز به‌طور مستدل راجع به درخواست متهم اظهار نظر می‌کند. در صورت رد درخواست، مراتب در پرونده ثبت و قرار رد به متهم ابلاغ می‌شود و متهم می‌تواند ظرف ده روز به آن اعتراض کند. متهم در هر ماه فقط یکبار می‌تواند این درخواست را مطرح کند.» با توجه به این ماده خواهر شما حق درخواست رفع بازداشت را دارد. اگر بازپرس قبول نکرد و قرار بازداشت را تمدید کرد می‌توانید به آن اعتراض کنید. در این صورت موضوع در دادگاه بررسی خواهد شد. همچنین می‌توانید به کانون وکلای رفته و تقاضای وکیل تسخیری نیز بدهید تا پرونده را پیگیری کند.

سرفصل ۷- اعتراف اجباری و شکنجه

روایت: تقریباً دو هفته پیش برادر من را در جریان اعتراضات به گرانی بنزین در خیابان دستگیر کردند. در بازداشتگاه به او فشار آورده‌اند که باید اعتراف کند که از خارج از ایران دستور می‌گرفته و از قبل برای «اغتشاش» آموزش دیده بوده است. بازجوها به او گفته بودند اگر همکاری کند از قاضی خواهند خواست در حکمش تخفیف بدهد. برادرم مقاومت کرده بود، ماموران هم او را شکنجه کردند. نهایتاً برادرم خواسته بازجوها را قبول کرده بود و اعترافاتش را در دادسرا هم تکرار کرده بود.

سوال: در این شرایط در جلسه دادگاه چه طور باید از خودش دفاع کند؟ آیا می‌تواند بگوید اعترافش دروغ بوده است؟

پاسخ کارشناس حقوقی: بر طبق قوانین ایران اقرار و اعتراف اولاً زمانی ارزش دارند که مقرون به صحت باشد و دوماً نزد قاضی صادر کننده حکم انجام شده باشد. یعنی اگر متهمی در مرحله بازجویی یا دادسرا تحت فشار و شکنجه و یا هر شرایط دیگر اقراری انجام دهد، می‌تواند این اقرار خود را در دادگاه پس بگیرد و دادگاه نمی‌تواند اقرار متهم را در مرحله تحقیقات مقدماتی، مستند حکم خود قرار دهد. تبصره دو ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی صراحتاً این مساله را بیان کرده است و اصل ۳۸ قانون اساسی نیز اقرار ناشی از فشار را فاقد ارزش دانسته است. بنابراین برادر شما بهتر است در دادگاه اجباری بودن اعتراف خود را هم شفاها و هم کتبا بیان کرده و صراحتاً اقرار قبلی خود را پس بگیرد. ایشان می‌تواند در دادگاه بگوید که با وعده و وعیدهای بازجوها و همچنین تحت فشار آنها اقرار کرده است. ضمناً برادر شما حق شکایت به دلیل شکنجه شدن را دارد. زیرا مطابق ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه، حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد. اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت.» به همین دلیل پیشنهاد می‌شود برادران یا وکیلش از مامورانی که او را شکنجه کرده‌اند در دادسرای نظامی شکایت کند.

سرفصل ۸ - شواهد و مدارک

روایت: خواهر من را بعد از اعتراضات به گران شدن بنزین در شهر محل اقامتش دستگیر کردند. به او گفته‌اند که «لیدر اغتشاشات» بوده است و از قبل برای «بر هم زدن نظم عمومی و تخریب اموال» برنامه داشته است. خواهرم قبول دارد که در اعتراضات شرکت داشته است. اما او نه تنها ارتباطی با بقیه تظاهرات کنندگان نداشته است بلکه اقدامی هم برای تخریب اموال یا آتش زدن مکانی نداشته است. یکی از کاسب‌های محل که خانواده ما را می‌شناسد، در زمان تظاهرات آنجا حضور داشته است و خواهرم را هم دیده است، حاضر است به نفع خواهرم شهادت بدهد. اما بازپرس پرونده گفته است: «همه چیز مشخص است، دیگر شاهد لازم نیست.»

سوال: چرا بازپرس قبول نمی‌کند کاسب محل شهادت دهد؟ چه راهی وجود دارد که حرفهای این شاهد شنیده شود؟

پاسخ کارشناس حقوقی: مطابق ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری: «بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی‌ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند» اصولاً بازپرس باید هر اقدامی را که در کشف حقیقت موثر باشد انجام دهد، اما از این ماده بر می‌آید که بازپرس باید ضرورت شهادت را تشخیص بدهد. با این وجود اگر بازپرس با شهادت دادن یک فرد مخالفت می‌کند چندین راه برای اعتراض یا درج شهادت ایشان در پرونده وجود دارد. ابتدا اینکه بر اساس ماده ۲۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری: «چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.» بنابراین بهتر است شخص متهم یا خانواده او به صورت کتبی با توضیح اینکه شهادی وجود دارد که می‌تواند در کشف حقیقت موثر باشد و با این وجود بازپرس از استماع شهادت آن شخص امتناع می‌کند، به دادستان مراجعه کرده و از او تقاضا کنند که دستور لازم به بازپرس برای استماع شهادت این شخص را بدهد. راه دوم این است که شاهد را به یک دفترخانه اسناد رسمی برده و در آنجا اقرارنامه‌ای تنظیم کنید. در اقرارنامه آن شخص هر چه را که دیده است بنویسد. سپس این اقرارنامه را به متهم بدهید تا ایشان طی لایحه‌ای خواهان درج آن در پرونده بشود. در این صورت بازپرس موظف است این اقرارنامه را در پرونده درج کند و اگر به هر دلیلی به آن توجهی نکند در مراحل بعدی دادرسی قطعاً قضات این اقرارنامه را مشاهده خواهند کرد.

سرفصل ۹- حقوق متهم در دسترسی به پرونده و برگزاری دادگاه علنی

روایت: بعد از اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ به اتهام «آتش زدن اموال عمومی و تخریب اماکن دولتی» دستگیر شدم و مدت یک ماه در بازداشت ماندم و با قرار وثیقه آزاد شدم. وقتی که در بازداشت بودم هیچ مدرکی را که نشان بدهد من اقداماتی را که به من نسبت داده‌اند، انجام داده‌ام، ارائه نکردند و گفتند که ما همه چیز را می‌دانیم و وقتش که رسید مدارک را می‌بینی. الان پرونده در بازپرسی است و بازپرس هم اجازه نمی‌دهد پرونده را بخوانم. مساله دیگر اینکه چون موضوع «خرابکار و اغتشاشگر بودن» من در محله‌مان پیچیده، می‌خواهم تا در دادگاه همه بتوانند آزادانه شرکت کنند تا ببینند من عمل خلافی مرتکب نشدم.

سوال: آیا به عنوان متهم حق خواندن پرونده را ندارم؟ و آیا می‌توانم درخواست بدهم که دادگاه من علنی باشد؟

پاسخ کارشناس حقوقی: دسترسی به اوراق پرونده توسط متهم یا وکیل او یکی از حقوق بدیهی متهم است اما حقوق ایران محدودیتی را در این زمینه وضع کرده است. بر اساس ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع اتهامی از جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور باشد، با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آنها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند.» چنانچه در متن ماده قانونی آمده باید دلیل موجهی برای صدور چنین قرار و وجود داشته باشد. با توجه به این‌که شما به قید وثیقه آزاد شده‌اید و تصور اینکه دسترسی شما به اوراق پرونده کشف حقیقت را مختل کند بعید است، بازپرس نمی‌تواند شما را از مطالعه پرونده منع کند. بنابراین بهتر است ابتدا کتبا از بازپرس بخواهید یا اجازه مطالعه پرونده را بدهد و یا به صورت مکتوب قرار عدم دسترسی به اوراق پرونده را به شما ابلاغ کند. اگر قرار عدم دسترسی به اوراق پرونده صادر شود به این قرار در دادگاه اعتراض کنید. اگر بازپرس بدون صدور چنین قرار و اجازه مطالعه پرونده را ندهد، کتبا مساله را به رئیس دادگستری اعلام کرده و اگر جواب نگرفتید به دادسرای انتظامی قضات شکایت کنید. توجه کنید بعد از ارسال پرونده به دادگاه، شما در هر حال اجازه مطالعه پرونده را دارید و دیگر امکان محدودیت در این حق وجود ندارد. در مورد سوال دیگران، اصل بر علنی بودن دادگاه‌ها است مگر در امور خانوادگی یا موارد منافی عفت و یا اینکه علنی بودن دادگاه مخل امنیت عمومی یا احساسات قومی - مذهبی باشد. در مورد پرونده شما چنین مواردی صادق نیست بنابراین عملاً نیازی نیست که شما تقاضای علنی برگزار شدن دادگاه را داشته باشید، بلکه در روز دادگاه می‌توانید از هر شخصی بخواهید در جلسه دادگاه شرکت کند.